هشدار

به تمام کسانیکه توسط مسئولین "شورای ملی مقاومت"
زندانی و شکنجه شده
و یا مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند

مجاهدین خلق ایران
نیمه اول دیماه ۷۳

ایلیا ارنبورگ، کاملا بدرستی یادآوری کرده است " که هدف، یك علامت راهنمائی وسط جاده نیست . چیزی است کاملا واقعی، یك موضوع روز، نه تصویری از فردا بلکه اقدامات همین امروز . هدف، نه تنها استراتژی سیاسی بلکه اخلاق را هم از پیش معین می کند . نمی توان با تبدیل افراد به " پیچ و مهره " و تبدیل خود به خدائی افسانه ای، برای انسانها مبارزه کرد . وسیله همواره بر هدف اثر می گذارد، هدف را باد می برد یا مسخ می کند " .

در تکثیر و توضیح این اطلاعیه در حد توان بکوشید .

می توانید برای تماس،
نامه های خود را به نشانی زیر ارسال دارید :

PARVIZ
B . P 13
95540 MERY SUR OISE
FRANCE

iran-archive.com

هشدار

به تمام کسانیکه توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت "
زندانی و شکنجه شده و یا مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند

هموطنان عزیز ؛
احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتها ی مبارز و مترقی ؛
اعضاً و هواداران مجاهدین خلق ایران ؛

بالاخره بعد از سالها که اعضاً و هواداران مجاهدین خلق ایران ، توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " زندانی و مورد شکنجه های مختلف روحی و جسمی قرار گرفتند، وتوسط چماقدارانشان در سطح اروپا مورد تهاجم و ضرب و شتم واقع شدند، سازمان غیر دولتی " نظارت بر حقوق بشر خاور میانه " شعبه نیویورک در امریکا ، طی نامه ای در تاریخ ٦ اکتبر ٩٤ ، از مسئول " شورای ملی مقاومت " خواست تا امکان بازدید هیأتی از " میدل ایست واچ " و دیگر مجامع بین المللی حقوق بشر از زندانها و شکنجه گاههای آنها در عراق را فراهم نمایند.

در همین راستا، مجاهدین طی صدور فراخوانی ، از تمام افراد (به ویژه از اعضاً و هواداران مجاهدین خلق) ، که در سراسر دنیا پراکنده اند ، و توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " زندانی و شکنجه شده اند و یا مورد اذیت و آزارهای این گروه قرار گرفته اند ، خواست تا موارد زندان و شکنجه و اذیت و آزار هارا طی نامه ای به سازمان " نظارت بر حقوق بشر خاور میانه " (میدل ایست واچ) اعلام نمایند.

مسئول " شورای ملی مقاومت " بعد از شوک ناشی از در خواست باز دید از زندانها و شکنجه گاههایش (چرا که با تمام عقب نشینی ها ازباور هایش و تنزل به حد یک سازمان جاسوسی و عامل اجرائی ، برای امپریالیستها و صهیونیستها و ارتجاع منطقه . . . و تلاشهای فراوان در جلب حمایت تعدادی از نمایندگان کنگره و سنای امریکا و دادن هدایا و نمایش قدرت با تانک های عاریه ای صدام و صهیونیستها و اجرای کنسرت ، بمناسبت سی تیر . . . ، امیدوار بود که وزارتخارجه امریکا، آنان را بعنوان یک جانشین دمکرات برای رژیم جنایتکار حاکم بر ایران مورد تأیید قرار دهد، در حالیکه مشاهده میکرد، " تمام خوابهای پنبه دانه اش نقش بر آب شده " .

لذا ضمن رد درخواست سازمان " نظارت بر حقوق بشر خاور میانه " و " ادعای " ! " روز نامه وال استریت جورنال " ، مبنی بر زندان و شکنجه مخالفین درون گروهی ، در صدد لوث نمودن مسئله بر آمدند، چرا که موارد " ادعائی " ! سازمان نظارت بر حقوق بشر خاور میانه " و مقاله " وال استریت جورنال " کاملا درست و متکی به اسناد و مدارک غیر قابل انکار بود، که باید گفت باز گو کننده بخشی از حقایق نه تمامی واقعیات میباشد، است .

لذا طبق شیوه همیشگیشان ، این جریان وابسگرا شروع به فحاشی وتهمت و افترا بستن به مجاهدین و" میدل ایست واچ " ، در روزنامه ها و رادیوهای . . . وابسته به خود نموده و بطور صریح و مکتوب بر تداوم شکنجه مخالفین تأکید کرده ، دست به تهدید کسانیکه برای دفاع از آزادی و جلوگیری ازنقض حقوق بشر ، به دفاع و حمایت از زندانیان و شکنجه شدگان ، توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت" برخاسته بودند، زدند .

خانم فریبا هشترودی ، یکی از اعضای " شورای ملی مقاومت" که بیش از ٣٠ سال است در خارج بوده و خبر نگار میباشد ، طی نامه سرگشاده ای به سازمان "دیدبانان حقوق بشر " در روزنامه ایران زمین (ارگان رسمی شورای ملی مقاومت) شماره ٢٤ مورخ ١٢ آبان ٧٣ ص ٣ ، رسما و صریحا ، بعد از بکار بردن کلمات امین وار ، چنین مینویسند « ولی امیدوارم روزی حق آن وکلا و مدافعان با شرف را هم ، که از این دلسوختگان سؤ استفاده میکنند تا آنها را بازیچه " دیدبانان " و همپالکیهایشان کنند ، کف دستشان بگذارم ، سر آخر هم تکرار میکنم و زیر آن امضاً میگذارم » ، و در چند سطر پائین تر ادامه میدهند « ولی به کوری چشم " دیدبانان " ما ، تمامی مقاومت ایران و هزاران هزار رزمنده مازوخیست آن ، با تمام قوا به این اعمال زشت ادامه خواهیم داد. » ملاحظه میکنید، ایشان ضمن تأیید شکنجه و زندان مخالفین درون گروهی به تهدید

iran-archive.com

صریح مدافعان ، افراد شکنجه شده پرداخته و " زیر آن امضاً " هم میگذارد . جملات بندری صریح و روشن است که هیچ احتیاجی به تعبیر وتفسیری ندارد

ازطرف دیگر " شورائیون" با تبلیغات و جنجال ادعا کردندکه " سیاست ایران کیت و بسیج ننگین ساواک آخوندی " باعث اقدام سازمان " نظارت بر حقوق بشر خاور میانه " و مقاله روزنامه " وال استریت جورنال " شده است . لذا ضمن مصاحبه های متعدد مدعی شدند که « اساسا ما زندان وزندانی نداشته و کسی را شکنجه نکرده ایم این اتهامات رژیم آخوندی است ، که از زبان " میدل ایست واچ " و تعدادی از افراد مجهول الهویه بیرون آمده است . » .

پس از انتشار این اتهامات و مجهول الهویه خواندن مجاهدین و افراد ارتش آزادیبخش ملی ، اطلاعیه ای در تاریخ ۳۱ ، ۱۰ ، ۹۴ برابر با ۹ آذر ۷۳ ، با امضاً ۱۴ تن ، که بعضا در دادگاههای مسئول " شورای ملی مقاومت " بنام " صلیب یا مرگ " محکوم به اعدام شده و از ۶ ماه تا ۳ سال در زندانهای عمومی و انفرادی (زندانهای انفرادی ابعادی به اندازه قبر و قفس دارد) ، بسر برده و مورد شکنجه قرار گرفته بودند ، اعلان آمادگی ، جهت روشن کردن حقایق و موارد نقض حقوق بشر و افشاً نام و آدرس خانه های امن در شهر بغداد و زندانها و شکنجه گران و بازجویان و هویت چماقداران در سطح اروپا . . . ، که اعضای جدا شده و معترض را مورد ضرب و شتم قرار داده اند ، نمودند ، تا در رد ادعای کذب مسئول " شورای ملی مقاومت " و همدستان ایشان ، با کلیه سازمانهای مدافع حقوق بشر ، خبر گزاری ها و رادیو تلویزیونها و مطبوعات بطور زنده مصاحبه بعمل آورند.

ورود مجاهدین به صحنه، و پخش وسیع اطلاعیه با امضاً ۱۴ تن چه به زبان فارسی و چه به فرانسه وانگلیسی . . . به مسئله زندان و شکنجه و چماقداران، مسئولین " شورای ملی مقاومت " چه در عراق و ترکیه و چه در اروپا . . ابعاد گسترده ای داد و آنرا بطور وسیعی به مطبوعات و رسانه های خبری و مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر . . و افکار عمومی کشاند. (باید یاد آور شویم مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر و عفو بین الملل ـ امنستی انترناسیونال ، کمیساریای عالی پناهندگی و صلیب سرخ بین المللی . . . ، از مسئله زندان و شکنجه و اذیت و آزار مجاهدین ، توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " کاملا اطلاع داشته و در جریان بودند، ولی بخاطر حفظ منافع امپریالیستها . . . مسئله را نا دیده گرفته و توجهی نمیکردند و نکردند، فتو کپی اسناد و مدارک و نامه هائی که برای مراجع بین المللی فوق الذکر و دیگر مراجع، طی این ده ساله ارسال داشته ایم تماما موجود میباشد، و در صورت لزوم حاضر به ارائه آنها میباشیم) .

لذا امپریالیستها و صهیونیستها . . . متوجه شدند که کار از دستشان خارج شده، بنابراین برای اینکه مانع از انفراد تمام عیار" فرقه " شورای ملی مقاومت" از صحنه سیاست و محو آنها شوند، به تلاش پرداخته تا سر و ته قضیه را هم آورده، بلکه بتوانند در حدی که میخواستند آنرا هدایت کرده هم چنان به بهره برداری از این سکت و" فرقه " ادامه داده استفاده نمایند

وزارت خارجه امریکا بر طبق قراریکه مجلسین امریکا برایش تعیین کرده بودند، گزارش خود را در باره " شورای ملی مقاومت" به مجلسین ارائه داد . با وجود اینکه وزارتخارجه در گزارشش ، مسئولین " شورای ملی مقاومت " را یاد " فرقه " که کیش شخصیت " و " اطاعت بی چون وچرا و بدون هرگونه سوائی " ، معرفی مینماید، و مینویسد " در طول حیات ۲۹ ساله شان . . . هرگز در تشکیلات خویش ، و شورای ملی مقاومت ، تحت تسلط شان یا ارتش آزادیبخش ملی ، دمکراسی را رعایت نکرده اند . . (و) شیوه خودکامانه تصمیم گیری رهبری و رفتار پرستش گونه اعضای آن ، دو نمونه بارز اداره سازمان " است . و انواع واقسام نسبتهای دیگری که قسمتی از صفات بارز و واقعی این " فرقه " میباشد، که صفحات گزارش را پر کرده است، و حتی مینویسد " یکی از سرمایه گذاران عمده و اصلی سازمان ، صدام حسین میباشد که سلاح و پولهای نقدی بالغ بر حدود صدها ملیون دلار را تأمین نموده است " . با وجود موارد ذکر شده ، ملاحظه میشود که وزارتخارجه امریکا بعد از دادن گزارش خود به مجلسین ، در رابطه با " شورای ملی مقاومت " ، برای اینکه عاملشان " تمام سوز " نشود ، با تمام لحن تند گزارش ، از پخش گزارش محرمانه در باره منابع دیگر مالی این " فرقه " خود داری کرده و از انتشار آن جلوگیری مینماید . چرا ؟ در اینجا به سه دلیل آن اشاره میکنیم .

اول اینکه "سیا " مرکز جاسوسی امریکا یکی از تأمین کنندگان منابع مالی " شورای ملی مقاومت " میباشد . استانفیلد ترنر مدیر " سیا " در دولت کارتر درپیک مصاحبه با خبرنگاران در رابطه با دادن پول " به دستجات نیمبدی ایرانی " میگوید: " دلیلی نمی بینم که به آنها پول داده نشود و درعین حال کمکی هم به خمینی نشود . . . در هر دو طرف زمین بازی کردن چیز غیر طبیعی نیست " . روزنامه لوس آنجلس تایمز مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۷ در همین رابطه مینویسد ، ماهانه " سیا " بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار دلار به مسئولین " شورای ملی مقاومت " پرداخت مینماید.

(با توجه به ویژگیهائی که ، درگزارش وزارتخارجه امریکا ، برای " شورای ملی مقاومت " ذکر شده ، این سئوال در

ذهن ها پیش میآید، پس حتما منافع کلانی ، این فرقه " برای امریکا تأمین میکندکه آنها حاضرند با توجه به تمام خصوصیاتی که برای این گروه ذکر کرده ، هم چنان به کمکهای مالی ، تبلیغاتی و معنوی خود ادامه داده و از آنها حمایت کنند. آیا تا کنون دیده اید امپریالیستها برای خیرات و مبرات " به گروه یا سازمانی یا روزنامه ای . . . کمک مالی کرده از آنها حمایت مادی و معنوی نمایند ؟ .) .

دوم، همانطور که در بالا بدان اشاره شد، امپریالیستها نمی خواهند مهمترین عاملشان (شورای ملی مقاومت) که از تشکیلات و انسجام و انضباط نسبی بر خوردار است ، از صحنه سیاست حذف شود، چون میتوانند با در دست داشتن چنین برگی ، از رژیم " برابر " حاکم بر ایران در گرفتن امتیازات اقتصادی و عقب نشاندنش در مواقع لازم استفاده نمایند.

سوم ، " شورای ملی مقاومت " ! ! یکی از بهترین کانالهای جاسوسی آنها میباشد، توجه کنید چارلز ردمن یکی از سخنگویان وزارتخارجه امریکا در ۲۳ ، ٤ ، ۸۷ ضمن مصاحبه مطبوعاتی میگوید : " درخلال سال گذشته با سازمان مجاهدین خلق ملاقاتهائی صورت گرفته . . . این ملاقاتها گهگاه صورت گرفته است ، و هدف از آنها کسب اطلاع در باره اوضاع ایران بوده است ، وی گفت در (باره) بسیاری از قشرهای گوناگون جامعه ایران گفتگو شده است . " . . .

توطئه امپریالیستها و صهیونیستها در انحراف افکار عمومی، جهت جلوگیری

از " تمام سوز " شدن عاملشان یعنی " شورای ملی مقاومت " ! !

پس از پخش وسیع اطلاعیه با امضاً ۱۴ تن به زبان فارسی و چندزبان دیگر ، خط دهندگان به مسئولین " شورای ملی مقاومت " ، امپریالیستها و صهیونیستها (در رأس آنها انگلیس) متوجه شدند که مسئله بیش از آنچه فکر میکردند ، شکل غامضی بخود گرفته است ، چراکه یکی از بهترین عواملشان (شورای ملی مقاومت) ، در بد لله ای دچار شده است ، چون اگر در خواست بازدید از زندانها و شکنجه گاههای مسئولین " شورای ملی مقاومت " ادامه پیدا کند، و نهایتا به مرحله عمل درآید ، بهترین برگی که در دست داشته و دارند، کاملا سوخته و ازبین خواهد رفت لذا دیگر نمیتوانند از ملا های مرتجع ، اما از کیسه ملت ستمدیده ایران ، امتیازات اقتصادی . . . بگیرند، لذابا توجه به برگهای بی بو خاصیت دیگرشان (سایر مخالفین رژیم ایران وابسته به غرب) ، به فکر چاره اندیشی افتادند ، بنابراین با دادن خط جدید ، مسئولین " شورای ملی مقاومت " تعدادی از عوامل خود را به ایران گسیل داشته تا با انفجار لوله های نفتی و خرابکاری در ایران و خلا عکس العمل ارتجاع غالب ، توجه مردم و افکار عمومی را به موضوع دیگری معطوف داشته تا مسئله زندانی و شکنجه کردن مخالفین توسط مسئولین " شورا . . . " کم رنگ شده و از رأس اخبار کنار رود . اما دستگیری عوامل اعزامی ارتجاع مقلوب ، و لو دادن عملیات تیم بمبی در زیر شکنجه های وحشیانه ارتجاع غالب ، این امکان را به ملا ها داد تا با گستردن دام تعدادی از تیم اعزامی خرابکار " شورای ملی مقاومت " را کشته ، دستگیر و یا فراری دهند. سپس رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران ، حد اقل با یاد موشک استاد ب " (با وزن ۶۳۷۰ کیلو با کلاهک ۱۰۰۰ کیلوئی و به طول ۱۱ متر و ٤۰ سانتیمتر) به یکی از پایگاههای ارتجاع مقلوب در خاک عراق حمله نمود ، که بنا بر اظهار مسئول " شورا . . . " تلفات جانی نداشته تنها " باعث خسارت به چندین ساختمان شده است . " ، هم چنین رژیم جنایتکار بعد از انفجار بمب در جنوب تهران و بجا گذاشتن چند کشته و مجروح ، اینبار به منطقه کرد های مستقر در عراق با هواپیما تجاوز کرده و با بمباران کردستان عراق یاد تن کشته و چندین تن را مجروح نمایند.

لذا بعد از زمینه چینی های " شورائیون " و عکس العمل ارتجاع غالب حاکم بر ایران ، بر طبق خطوط داده شده توسط مأمورین امنیتی صهیونیستها و امپریالیسم انگلستان ، پیرامون مسئولین " شورای ملی مقاومت " با بر پائی تظاهرات در اروپا و امریکا ، سعی در جلب توجه افکار عمومی و مجامع بین المللی ، در رابطه با بمباران پایگاهشان ، توسط رژیم جنایتکار حاکم بر ایران مینمایند ، تا اذهان را از توجه به زندانی و شکنجه کردن مجاهدین ، توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " ، به مسئله بمباران معطوف نمایند.

در همین راستاست که رادیوی بی . بی . سی وابسته به وزارتخارجه و اطلاعات انگلیس ، و رادیوی صهیونیستها با اینکه اطلاعیه فراخوان به سازمانهای مدافع حقوق بشر و . . . ، که به امضاً ۱۴ تن ، در رابطه با افشاً زندانها ، شکنجه گاهها و خانه های امن " شورا . . . و ارتش آزادیبخش ملی " چه با فاکس و چه با پست برایشان ارسال شده بود، ولی هیچ اشاره ای بدین اطلاعیه نکردند ، و با اینکه یکی از مسئولین رادیو بی . بی . سی ، با فردی از ۱۴ تن امضاًکنندگان اطلاعیه فراخوان

iran-archive.com

(به قول مسئول شورا ، افراد مجهول الهویه ! !) ، در رابطه با شکنجه ، زندان و چماقداران مسئولین " شورا . . . و ارتش آزادیبخش ملی " ، تماس گرفته و مصاحبه بعمل میآورد ، ولی از پخش آن خوداری میکنند.

اما بعد از چند روز ، وقتی حادثه آفرینی " ارتجاع مغلوب " به نتیجه رسید و ارتجاع غالب به پایگاهشان حمله کرد، مجددا مسئول رادیوی بی ، بی ، سی با همان فرد تماس گرفته و در رابطه با همباران پایگاه " ارتش آزادیبخش ملی " واقع در عراق مصاحبه مینماید ، که بلافاصله شب از بی ، بی ، سی پخش میشود ، وقتی مصاحبه شونده از مسئول رادیو سئوال میکند چرا مصاحبه اول که در رابطه با زندانها و شکنجه گاهها و چماقداران " شورای ملی مقاومت " را پخش نکردید، وی پاسخ میدهد " ما این مصاحبه را گذارده ایم سر بزنگاه پخش کنیم " .

رادیوی صهیونیستها ، نیز بعد از اینکه رادیوی فرانسه ، قسمتی از اطلاعیه را میخواند ، پس از چند روز به نقل از رادیو فرانسه (نه با استناد به متن اطلاعیه که با فاکس و نامه برایشان ارسال شده بود) ، همان قسمتی را که رادیوی بین المللی فرانسه قرائت کرده بود ، پخش مینماید . چون همانطور که در بالا بدان اشاره شد، امپریالیستها و صهیونیستها ، نمی خواهند عواملشان (شورا . . . و ارتش آزادیبخش ملی) ، " تمام سوز " شوند .

در همین راستا ست که بی ، بی ، سی در رابطه با اطلاعیه فراخوان با امضاً ۱۴ تن ، سکوت کرده ، نه به متن اطلاعیه صادره کوچکترین اشاره ای میکند و نه مصاحبه را که در رابطه با شکنجه و زندان و چماقداری مسئولین " شورای ملی مقاومت " تهیه شده بود ، پخش مینماید.

دراینجا توجهتان را به گزارشی که در لوموند دو دانسیمان مورخ ۲۰ اکتبر ۹۴ در رابطه با همکاری موساد (مرکز اطلاعات و جاسوسی صهیونیستها)، با مسئولین" شورای ملی مقاومت "درج کرده، به نقل از انقلاب اسلامی، ۳۴۵، جلب نمائیم .

« سازمان مجاهدین خلق ، آلت فعل موساد در استرالیا شده است »

" کمیسیون محاسبات مجلس استرالیا تحقیقی را آغاز کرده است ، برای یافتن پاسخ این پرسش : چرا " کیدانا " که یک شرکت فروش ابزار الکترومانیک است ، معامله ای با وزارت امور مهاجرت و قومیتها ، انجام داده است، بدون اینکه پیشنهاد خریدی شده باشد ؟ به نظر میرسد که موساد اسرائیل دست در این کار داشته است ، این تحقیق میتواند تا پرده بر داشتن از فعالیتهای موساد در استرالیا ، از جمله حمله مجاهدین خلق ، گروه ایرانی مخالف رژیم ایران ، به چند سفارتخانه بخصوص سفارت ایران در استرالیا ، پیش برود در واقع ، بنا بر اظهارات " کن آلدرد " (نماینده مجلس از حزب لیبرال و مخالف حکومت) ، کامپیوتر وزارت امور مهاجران در ۱۲ آوریل ۱۹۹۳ ، درست ۱۰ دقیقه پیش از آنکه مأمور این وزارتخانه مشغول تعیین هویت کسانی بشودکه ۶ روز پیش ازآن به سفارت ایران حمله کردند ، ازکارافتاد. وی به استناد تحقیق بازرسی کل ، میگوید : در ۲۱ ژانویه ، به محض اینکه " کیدانا " قرار داد را بدست آورد ٤ ساعت از بایگانی اطلاعات حیاتی پیرامون مهاجران ، بکلی پاک شد، بنظر او ، کسانی این ٤ ساعت اطلاعات حیاتی را پاک کرده اند که در ۱۲ آوریل ۹۳ نیز کامپیوتر وزارت امور مهاجران را از کار انداخته اند.

علت پاک کردن این ٤ ساعت اطلاعات ، این بوده ، تا مانع از شناخته شدن هویت کسانی بشوند که بدون اجازه به کامپیوتر مرکزی دست یافته اند. . . . اگر نقش موساد مشخص شود ، میتوان گفت که حمله هائی که توسط مجاهدین خلق به سفارتخانه های ایران در اروپا و امریکای شمالی شده ، توسط " موساد " رهبری شده است . . . ، حمله باید بقصد بردن مدارک سفارت و بخاطر پوشاندن عملیات اصلی بوده باشد. . . در استرالیا ، کسانی این فرض را معتبر میدانند، که " موسادازمجاهدین در حمله انتقامی به سفارت برای پوشاندن عملیات خود استفاده کرده است . . . " .

برگردیم به دنباله مسئله اصلی ، بعد از آمدن خط از جانب صهیونیستها و امپریالیسم انگلیس ، به یکباره نشریات و رادیوی های وابسته به " شورای ملی مقاومت " تمام تبلیغات برعلیه سازمان " نظارت بر حقوق بشر خاور میانه " (میدل ایست واچ) و روزنامه " وال استریت جورنال " را متوقف کرده و مسکوت گذاردند. ولی در عوض ، تمام نیروی تبلیغاتی خود را متوجه بمباران پایگاه " ارتش آزادیبخش ملی " در عراق کردند.

در همین راستا ، مسئولین " شورا . . . " به ترفند دیگری نیز متوسل شدند، تا بتوانند افکار عمومی را هم چنان از مسئله اصلی منحرف کنند، لذا با تبلیغات گسترده ای ، اعلام نمودند که ، خانم هنگامه امینی ، دختر مرضیه ، توسط ارتجاع غالب به گروگان گرفته شده و فراخوان صادر کردند و از سازمانهای مدافع حقوق بشر برای نجات جان ایشان استمداد نمودند.

ولی روزنامه نیمروز شماره ۲۹۱ مورخ ۲۷ آبان ۷۳ ، از قول رویتر چنین مینویسد " هنگامه امینی دختر مرضیه روز جمعه خبر دستگیری خود توسط مأ مورین دادستانی انقلاب را تکذیب کرد. . . وی افزود هیچ مسئله و مشکلی وجود ندارد و

من دارم زندگی خودم را میکنم " .

روزنامه ایران خبر ـ ش ۴۳ ـ ٤ آذر ۷۳ ـ ص ۱۲، متن یادداشت هنگامه امینی دختر مرضیه را که برای مطبوعات ارسال داشته منعکس کرده است، وی در یادداشت خود مینویسد"بی شک هستند افراد بی منطقی که سعی دارند حقایق را در هیاهو و یا بهتر بگویم در هوجیگری پنهان داشته و نان جوّ سازی خود را بخورند. ـ پس از رفتن مادرم از طرف دادسرای تهران به جهت دستیابی به تعدادی ظروف عتیقه که احتمال داده میشد خانم مرضیه با خود برده و یا من از آن مطلع هستم احضار شدم، از آن موقع به بعد شنیدم که مجاهدین به جهت داشتن یک خوراک تبلیغاتی مناسب هوجیگری خود را آغاز کرده ...در خاتمه اگر مایل به صحبت با من هستید میتوانید با تلفن منزل ۸۰۷۲۲۴۹ تماس بگیرید. من نیز در آینده نزدیک به فرانسه خواهم رفت، تا به همگان ثابت کنم که شایعاتی که مجاهدین بر علیه من درست کرده اند واقعیت ندارد. . " .

ملاحظه میکنید، برنامه پشت برنامه تا مسئله زندان ، شکنجه ، چماقداری ، اعدام مخالفین و تجاوز به زنان معترض درون گروهی و خانه های امن مسئولین " شورای ملی مقاومت " ، و در خواست مجاهدین شکنجه شده و " میدل ایست واچ " ، از روی آنتنها حذف شده و یا تحت الشعاع قرارگیرد .

عملکرد یکسان ملاهای مرتجع حاکم بر ایران و ارتجاع مغلوب
(شورای ملی مقاومت)

بخاطر قانونمندی حاکم برکل جهان از جمله بر ارتجاع ، مشاهده میکنیم که در طول تاریخ ارتجاع با تفاوت های بسیار جزئی درکمیت ها همیشه یکسان عمل کرده و میکند، و عکس العمل یکسانی در مقابل مسائل از خود بروز میدهد .

حال بطور نمونه به عملکرد هر دو ارتجاع اشاره ای گذرا میکنیم تا معیاری برای سنجش سایر اعمال یکسانشان باشد . ارتجاع غالب و مغلوب در این زمان که اعمال غیر انسانیشان ، در حال بر ملا شدن هر چه بیشتر است ، و توجه افکار عمومی جهانی را بخود جلب کرده ، هر کدام بدنبال دستاویزی بوده تا افکار عمومی جهان را به مسائل دیگری معطوف و منحرف نمایند ، همگی شاهد بودیم ، وقتی دادگستری فرانسه تصمیم گرفت (بعد از چندین بار به تأخیر انداختن) ، پرونده قاتلین بختیار را به جریان بگذارد ، بلا فاصله ملا های جنایتکار و فاسد حاکم بر ایران ، عده ای از زنان با حجاب را به جلوی سفارت فرانسه در ایران گسیل داشته تا با اعتراض به اخراج عده ای از دانش آموزان محجبه مدارس فرانسه (که یک عمل خلاف آزادیهای مصرحه در اعلامیه حقوق بشر میباشد و دولت فرانسه تحت پوش مبارزه با به اصطلاح التکریسم اسلامی ، مرتکب شده و میشود و باید مورد اعتراض همه مدافعین حقوق بشر قرارگیرد ، که در اینجا فعلا مورد بحث ما نمیباشد) ، توجه افکار عمومی را از دست داشتن مقامات دولتی ایران ، درقتل شاهپور بختیار، تحت الشعاع قرار دهند ، که البته در این رابطه موفق نشدند . حال رقبای مغلوب و درمانده آنان نیز به همان ترفند همتایانشان متوسل شده اند، لذا با پیش کشیدن بمباران یکی از پادگانهایشان و بر پائی تظاهرات در چند کشور اروپائی و امریکا، تلاش میکنند تا شاید بتوانند افکار عمومی را در رابطه با درخواست سازمان " نظارت بر حقوق بشر خاورمیانه " و اطلاعیه با ۱۴ امضاً که در آن اعلام شده ، آماده اند تا جهت روشن شدن حقایق و نقض ابتدائی ترین حقوق بشر و زندان وشکنجه مجاهدین . . . توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " با کلیه سازمانهای مدافع حقوق بشر. . . مصاحبه زنده بعمل آورند ، منحرف نمایند . باید بگوئیم اگر ارتجاع حاکم موفق شد ، اینها نیز موفق خواهند شد .

لذا بدینوسیله به تمام انسانهای آزاده (به ویژه امضاً و هواداران مجاهدین خلق) ، که در سراسر جهان پراکنده اند ، هشدار میدهیم مواظب شگرد ها و ترفندهای سرویسهای جاسوسی " موساد " و امپریالیستها و عواملشان (مسئولین شورای ملی مقاومت) و تبلیغات رادیوها ، باشند و بدنبال طرحها و برنامه های آنان کشیده نشوند.

خط اصلی ، آزادی تمام کسانی است که در زندانها و شکنجه گاهها و خانه های امن مسئولین " شورا . . . و ارتش آزادیبخش ملی " ، زندانی بوده و شکنجه شده و یا مورد تجاوز قرار گرفته اند . . . میباشد ، هم چنین افشاً چهره خرونین و ریائی کسانی است که ابتدائی ترین حقوق انسانی را (با حمایت و کمکهای همه جانبه ارتجاع منطقه و امپریالیستها و صهیونیسم و حمایت غیر مستقیم مجامع بین المللی مدافعین حقوق بشر) ، نقض کرده اند ، در سطح جهان است . در ضمن محاکمه و مجازات شکنجه گران ، متجاوزین به زنان معترض و زندانبانان و چماقداران و صادر کنندگان حکم اعدام مجاهدین، یعنی مسئول " شورای ملی مقاومت ، ارتش آزادیبخش ملی " وعناصر متشکله در " دفاتر و تشکیلات " همسر مسئول شورا و دست اندر کاران این فجایع غیر انسانی و وحشیانه ، برطبق قوانین کنوانسیون ژنو ، میباشد .

iranarchive.com

همانطور که متذکر شدیم بخاطر قانونمندی عام حاکم بر جهان ، هیچ تفاوتی در عملکرد و شیوه‌های متخذه توسط ارتجاع غالب و مغلوب وجود ندارد، لذا با مخالفین خود یکسان بر خورد کرده و میکنند .

هر دو ارتجاع ، برای سرکوب مخالفین خود ، از زندان ، شکنجه ، اعدام و خانه های امن و چماقداران . . . استفاده کرده و برای " جلب و جذب " امپریالیستها با یکدیگر مسابقه گذارده ، سعی میکنند با دادن امتیازات بیشتری به امپریالیستها، آنها را بخود متمایل نمایند.

ولی ارتجاع غالب (غیر از اقدامات تروریستی که امپریالیستها و صهیونیستها وارتجاع منطقه از آن بشدت هراس داشته ودارند) با وجود امکانات مختلف کشورمان ، و از کیسه ملت ستمدیده و غارت شده ایران ، با دادن امتیازات اقتصادی . . . به امپریالیستها ، آنان را بسوی خود جلب نموده اند، ارتجاع مغلوب نیز با جاسوسی و اجرای برنامه های آنان (نظیر حمله به سفارتخانه های ارتجاع غالب و ربودن اسناد و مدارک و تحویل آنها به سازمان جاسوسی موساد و امپریالیستها . . .) ، و عقب نشینی از دیدگاهها و خواستهای آرمانیش و تسلیم به خواستهای امپریالیستها ، سعی در " جلب و جذب " آنان و یادو هایشان (صهیونیستها) را دارند .

هر دو ارتجاع بخاطر بریدنشان از توده مردم ایران و نداشتن پایگاه مردمی ، به امپریالیستها . . . روی آورده ، دنبال تکیه گاهی میگردند، لذا برای اینکه توجه امپریالیستها را به خود جلب نمایند ، به نمایش قدرت نیز می پردازند، بدین خاطر است که ارتجاع مغلوب گیگاه عده ای معدود از عوامل خود را، با اجازه دولت عراق ، به ایران گسیل داشته تا با انفجار چند خط لوله نفت و یا بمب گذاری در نقاط مختلف و یا ربختن چسب دو قلو در قفل ماشین پاسداران . . . خودی نشان داده و در ضمن افراد خود را سرکوم میکند، و یا با نمایش تانکهای عاریه ای ارتش صدام و صهیونیستها ، که به نمایش و صحنه های سینمائی بیشتر شباهت دارد ، اقدام کرده و ویدئو نیز تهیه نموده ، به رایگان در اختیار دیگران قرار میدهند، تا بلکه بتوانند جوّی موافق خود به وجود آورند .

اما از طرف دیگر ارتجاع غالب حاکم بر ایران ، همانطور که در بالا بدان اشاره شد ، با اعزام تروریستهای خود و خرابکاری ، هم چنین با دادن امتیازات اقتصادی . . . به امپریالیستها و " چراغ سبز آنان " ، ایادیش را به کنار پایگاههای ارتجاع مغلوب (حتی به داخل محل اقامت رهبر خلق الفتاح) گسیل داشته، تنی چند از آنها را ترور کرده، همپاره یاران میتماید، و یا با هواپیما آنان را بمباران نموده یا پرتاب موشک اسکاد ب رقیب درمانده را هم چنان دلیل و زمینگیر نگهمیدارد . آن وقت ، مسئول شورای ملی مقاومت " با مغلوم نمائی، دست به دامان " صدام و سازمانهای مدافع حقوق بشر میشود " و میخواهد تا به دادش رسیده " تجاوزات و اقدامهای تروریستی رژیم آخوندی و نقض آشکارقطعنامه ۵۹۸ . . . را محکوم " نمایند . (حال نقض قطعنامه ۵۹۸ ، توسط ملاهای مرتجع چه ارتباطی به فرمانده کل" ارتش آزادیبخش ملی ایران " دارد، ما که سر در نیآوردیم، یک امکان وجود دارد، و آن اینکه مسئولین " ارتش آزادیبخش ملی ایران " تغییر ملیت داده و ملیت عراقی بدست آورده، بنابراین حق با آنها میباشد و وظیفه سردمداران عراقی است که به نقض قطعنامه ۵۹۸ از طرف ملا ها اعتراض کرده و به خواهند تا آنرا محکوم نمایند .) ، سپس بلند گوهای صهیونیستها و امپریالیسم فرتوت انگلیس و نمایندگان کنگره امریکا و مجلس انگلیس . . . به فریادشان رسیده ، به انعکاس شکایات عوامشان (شورای ملی مقاومت) ، می پردازند .

اما نکته اینکه در اینجا باید بدان اشاره کنیم این مسئله است که حد اقل یک تفاوت کاملا چشم گیر بین ملاهای مرتجع حاکم بر ایران ، و مسئولین " شورا . . . وارتش آزادیبخش " ، وجود دارد.

ارتجاع غالب به خاطر زندانی ، شکنجه ، ترور و اعدام هزاران تن از مخالفین خود و ایجاد یک فضای اختناق و دیکتاتوری مذهبی ، که یاد آور شرایط قرون وسطی میباشد، و هم چنین صدور تروریسم و وجود بیش از یک میلیون پناهنده و مهاجر در خارج . . . در نزد افکار عمومی جهانی بخوبی شناخته شده و بار ها و بار ها بخاطر نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی ، از جانب مجامع مختلف مدافع حقوق بشر و سازمانهای بین المللی در سراسر جهان ۳۳ بار محکوم شده است .

اما مسئول " شورای ملی مقاومت " با اینکه هم چون همتای معدومش خمینی ، مقامش مادام العمری است ، و با اینکه حدود ۱۴ سال است که از تأسیس " شورای ملی مقاومت " میگذرد ، حتی یکبار هم برای انتخابش به ریاست این جریان ، رأی گرفته نشده است .

و با اینکه تمام افراد دفاتر و تشکیلات خارج کشور باصطلاح " سازمان مجاهدین " ، بعد از انحلال در اختیار دفاتر خانم رئیس جمهور بی اختیار کاندیدای " شورای ملی مقاومت " قرارگرفته اند، ولی با تمام این نمایشات ، ایشان بیش از یک بازیچه و عروسک خیمه شب بازی، که سر نخ آن در دست مسئول " شورا . . . " میباشد ، چیز دیگری نیست . چرا که بر طبق

مواد نظامنامه " شورا . . . " ایشان هیچ اختیاری در این سمت نداشته ، تنها یک دکوراست و بس .

و با اینکه سازمانی که او ادعای مسئولیت آن را تا زمان باصطلاح انحلالش (٤ شهریور ۱۳۷۳) و ادغامش در دفاتر کاندیدای ریاست جمهوری بر عهده داشت ، فاقد هرگونه اساسنامه و آئین نامه ای بود .

و با اینکه این" فرقه " ارتجاعی نظیر ارتجاع غالب حاکم، بیش از ده سال است که مسئول مادام العمری آن برای ساکت کردن مخالفین درون گروهی به زندان، شکنجه، تجاوز به زنان و اعدام، مبادرت کرده و با ادیت و آزار و چماقداری با مخالفین برون گروهی بر خورد مینماید، و تمام مجامع بین المللی نیز بخاطر افشاگری های ده ساله از آن مطلعند. . .

و با اینکه در خارج کشور با مخالفین اصولی خود که از گروههای مختلف میباشند، جز با فحاشی ، تهمت ،افترا، تهدید. . . بر خورد نمی نمایند .

و با اینکه شخصیتها و گروههای درون " شورای ملی مقاومت " ، بخاطر عدم وجود دمکراسی در آن و بر قراری کیش شخصیت . . . این "فرقه " و سکت را ترک کرده اند . . .

و . . . . . .

اما مسئول این " فرقه " (شورای ملی مقاومت) و همدستانش ، ریا کارانه و با وقاحت تمام ، دم از دمکراسی و احترام به آزادی و رعایت حقوق بشر، و ارتقاً مقام زن و نفی امتیازات جنسی و فردیت . . . میزنند. هم چنین تعدادی از نمایندگان پارلمان انگلیس و مجلسین امریکا . . از آنان به عنوان یک چانشین دمکرات ! ! برای حکومت ایران یاد کرده دفاع میکنند . کشور های امپریالیستی ، بخاطر بهره برداری ، از آنان حمایت مادی و معنوی بعمل آورده ، به مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر نیز توصیه سکوت در باره اعمال آنان مینمایند. از طرف دیگر چون" در هردو طرف زمین بازی کردن چیز غیر طبیعی نیست " ، کشور های امپریالیست با رژیم ملاها قراردادهای مهم اقتصادی منعقد کرده ، امتیازات بسیاری بدست میآورند، ضمنیه مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر نیز سفارش میکنند تا مرتبا ملا های " وحشی " را با صدور قطعنامه های بی بو و خاصیت و بدون هیچ پشتوانه اجرائی ، بخاطر نقض ابتدائی ترین حقوق بشر محکوم نمایند. . .

لذا میتوان حداقل تفاوت بین دو ارتجاع غالب و مغلوب را در همین ادعای کذب ارتجاع مغلوب . در رابطه با دمکراسی . . . و برخورد امپریالیستها و مجامع مدافع حقوق بشر . . . دانست و بس . و الا چه ماهیتا وچه شکلی و مظاهری در اعمال و رفتارشان هیچ تفاوتی وجود ندارد .

بنابراین همانطور که با کل طیف ارتجاع غالب ، اعم از دار و دسته ای که ارکان آنها، نشریه سلام میباشد و جناح راست طیف ، که ارکان تفکرات قرون وسطائیشان روزنامه " رسالت " است ، مبارزه بی امانی را پی میگیریم و تفاوت کیفی بین این دوسر طیف قائل نیستیم ، باید در رابطه با ارتجاع مغلوب همان بر خوردی را نمود که با کل طیف ارتجاع غالب میکنیم ، فقط این جریان خارج از حاکمیت ارتجاع غالب است . باید در رابطه با تضادها و درگیریهای دو ارتجاع غالب و مغلوب ، همان برخوردی را نمود که با اختلافات دو سر طیف ارتجاع غالب (سلامی ها و رسالتی ها) میکنیم .

لذا باید با تمام توان ، همانطور که بر علیه ارتجاع غالب (ملایان جنایتکار فاسد حاکم بر ایران) ، مبارزه کرده و آنها را افشاً میکنیم ، باید به همان شدت دست به افشاً این " فرقه " وایسکرا و عقب مانده که با اعمال غیر انسانی و ضد آزادی ، و با انحرافات آگاهانشان ، باعث ضربات مهلکی به جنبش و در نتیجه شکست خلق قهرمانمان گردیده و اکنون نیز به عامل وابسته به امپریالیستها ، صهیونیستها و ارتجاع منطقه مبدل شده اند، زد.

تا نظیر ملاهای حاکم ، در افکار عمومی جهان نیز مورد نفرت و انزجار عمومی واقع شوند ، همانطور که در بین مردم هوشیار و قهرمان ایران قرار گرفته اند.

باید با صراحت بگوئیم ، انتخاب بین " بد " ، " بدتر " و " بدترین " نیست ، باید با هرچه بد است بدون کمترین هراس به مبارزه ای بی امان ادامه داد ، نباید اجازه داد دچار یک دور تسلسل شویم . آیا باید گذاشت از یک سوراخ دو بار گزیده شویم ؟ آیا بایدگذارد تجربه بسیار تلخ و فراموش نشدنی خمینی یکبار دیگر تکرار شود ! هرگز. باید بگوئیم نباید بهیچوجه به ارتجاع از هر نوع آن ، یا بهتر است بگوئیم " خمینیسم " اجازه عرض اندام داد . حال میخواهد شاه ، شیخ " یا " شورا " باشد . چرا که بار ها تجربه به ما آموخته " ترحم بر پلنگ نیز دندان ستمکاری بود بر کوسپندان .

بدین خاطر است که تأکید میکنیم ، این یک وظیفه عام مردم ، به ویژه روشنفکران است که با استفاده از تمام امکانات درست و به حق ، و بدور از هر افراط و یا تفریطی و بدون هرگونه حب و بغضی و یا تعصب گروهی و عصبیتی ، همانطور که با ارتجاع غالب مبارزه میکنیم ، با این " فرقه " منحط و جنایتکار نیز مبارزه نمائیم ، تا هم چنانکه حضرت علی (ع) فرموده ، از آنان چون " شاه " و " شیخ " عبرت تاریخ بسازیم .

iran-archive.com

وظایف مردم آزاده به ویژه کسانی که مورد شکنجه ، تجاوز قرار گرفته به زندان افتاده و مورد ضرب و شتم چماقداران مسئولین " شورای ملی مقاومت " قرار گرفته اند

تلاش ما (مجاهدین خلق) و کسانیکه ، بدستور و توسط مسئول " شورای ملی مقاومت " وهمکارانش شکنجه شده و به زندان افتاده و یا مورد اذیت و آزار چماقداران این گروه قرار گرفته و یا مورد تجاوز واقع شده اند، اینست ، ضمن مبارزه پیگیر و سر سختانه با رژیم ملاها و افشأی آنها ، باید کوشش افراد مصروف این مسئله باشد، تا با آگاه کردن افکار عمومی جهانی از ماهیت این " فرقه " ، مجامع مدافع حقوق بشر را (با اینکه از مدتها قبل دررابطه با اعمال شکنجه، زندان و چماقداری این گروه، در جریان قرار گرفته و مطلع گردیدند، و اخیرا نیز در رابطه با تجاوز به زنان معترض و اعدام مخالفین درون گروهی، با اطلاع شدند، ولی بخاطر منافع کشور های امپریالیستی و بنا به توصیه آنان، سکوت کرده اند، لذا بطور غیر مستقیم در شکنجه و زندان و اذیت و آزار مجاهدین ، توسط مسئول " شورای ملی مقاومت " وهمدستانش، شریک بوده و میباشند)، وادار نمائیم تا (طبق قوانین مربوط به شکنجه و زندان . . . مصوبه کنوانسیون ژنو ماده ۹)، به محاکمه کشیده و محکوم نمایند . چنانچه در این رابطه موفق شویم و بتوانیم افکار عمومی را بسیج نمائیم، حداقل به یکی از دو نتیجه خواهیم رسید، با موفق شده شکنجه گران، زندانبانان ، چماقداران، متجاوزین به زنان معترض و اعدام کنندگان به ویژه مسئولین " شورای ملی مقاومت " را علاوه بر اینکه، در یک دادگاه مدافع حقوق بشر به محاکمه کشیده و محکوم کرده ایم، توانسته ایم زندانبان را آزاد ساخته . . . ضمنا به انزوا و محو سریعتر سیاسی این " فرقه " فاسد و وابسگرای ارتجاعی نیز، شتاب بخشیم .

با نقش واقعی مجامع حقوق بشر را، نظیر کمیساریای عالی پناهندگی ، عفو بین الملل (امنستی انترناسیونال) و صلیب سرخ بین المللی . . . را (که دراین ۱۰ ساله آنها را از کم وکیف قضایا مطلع کرده ایم ،) در عامل اجرائی و وابسته بودنشان به امپریالیسم را ، هر چه بیشتر به افکار عمومی جهان بطور عریان و آشکارتر نشان دهیم .

باید بگوئیم ما (مجاهدین خلق ایران) ، از هیچ کوششی جهت پیاده کردن اهداف والای انسانی ـ توحیدی اسلام ، که برای رهائی انسانها از قید و بندهای قوانین ارتجاعی و هرگونه ظلم و ستم و استثمار، تحت هر پوشش که باشد ، فرو گذار نخواهیم کرد و دراین مسیر هیچ ترس و هراسی بخود راه نداده و نمیدهیم ، و برای آزادی و ایجاد فضای رشد ، ارتقأ، شکوفائی و تکامل انسانها از فداکردن جان خود همچون پیشگامان کبیر سازمان محمد حنیف نژاد ، سعید محسن و اصغر بدیع زادگان و تمامی مجاهدینی که برای بر پائی جامعه توحیدی ، از همه چیز خود گذشتند، نیز ابائی نداشته و نداریم . ما به خلق قهرمانمان یاد آورمیشویم که بر پیمان خود برای رسیدن به آزادی و استقلال و بر پائی عدالت اجتماعی و ایجاد جامعه توحیدی هم چنان استوار بوده و با دشمنان مردم سازش نکرده و نخواهیم کرد . چشم امید ما (مجاهدین) به حمایت و پشتیبانی بی دریغ شما (ملت قهرمانمان) است ، امید است با حمایت های همه جانبه خود اعم از حمایت معنوی و مادی ، ما را در انجام وظایفمان و ادای دین یاری و کمک نمائید .

سخنی با گروهها ، سازمانها ، احزاب و شخصیتهای ملی و مبارز

ما (مجاهدین خلق ایران) حدود ۱۰ سال است که در رابطه با مسئولین " فرقه " " شورای ملی مقاومت " و بر خورد های خمینی گونه آنان با مخالفین درون و برون گروهی خود و سیستم غیر دمکراتیک و توتالیتر (تمام خواه) . . . آنها، به شما (گروهها و سازمانها و احزاب و شخصیتهای ملی و مبارز) هشدار داده و از کم و کیف آنچه در درون این " فرقه " میگذرد، مطلع کرده و آگاه نموده ایم .

باید بگوئیم نادر گروه و یا سازمانی . . . است که به تواند ادعا نماید، که ما آنها را از زندان ، شکنجه و اذیت و آزار . . . مجاهدین ، توسط مسئولین " شورای ملی مقاومت " مطلع نکرده باشیم .

ولی متاسفانه انگشت شمارند شخصیتها و گروهها . . . که در قبال این جریان وابسگرا، با تمام فحاشی ها و تهمتها و مارکهایشان ، ترسی بخود راه نداده از خود عکس العمل نشانداده ، موضع مخالف گرفتند ، که در خور تقدیر است .

اما سازمانها و شخصیتهای . . . بسیاری هستند، که به مدارک و اسنادیکه برایشان ارسال داشتیم، و خود نیز از کانالهای

دیگری مطلع شده بودند، توجهی نکردند و با نا دیده گرفتن شکنجه و زندان و اعدام . . . مجاهدین ، توسط مسئولین این " فرقه " ، با این استدلال که ز هر طرف که شود کشته بسود ماست ؟ ! ، خیلی راحت از مسئله گذشتند. تا اینکه خود نیز مورد الطاف ! ! این جریان راست منحط قرارگرفتند ، و یا بودند کسانی که در حد چند مقاله ، انتقادکی کرده خاموش شدند و موضع فعالی بر علیه اعمال غیر انسانی این گروه نگرفتند .

حتی باید بگوئیم بعضی ها جهت توجیه عدم موضعگیری خود ، اظهار میداشتندکه اصل قضیه دعوا بین دو نفر است بمنزله مسائل فرع میباشد، و عده ای میپرسیدند با وجود رژیم جنایتکار ملا ها، آیا درست است با طرح این مسائل ، اینها (شورای ملی مقاومت) را تضعیف کنیم ؟ هر چه باشد دارند با رژیم مبارزه میکنند . کسانی نیز بودندکه میگفتند وقتی شما مسئول شورا . . . " و همکارانش را زیر سئوال میبرید امپریالیستها میروندودنبال دارو دسته شاه خائن ، بعضی ها توصیه میکردند سکوت کرده فعلا ساکت باشیم . حتی عده ای از هواداران و اعضأی مسئله دار ، هنگامیکه از آنها سئوال میشد، شما با اینهمه انتقادات و انحرافاتیکه برای این جریان میشمارید، چرا هم چنان با آنها همکاری میکنید ؟ در پاسخ میگفتند اولا گروه دیگری نیست که با آنها بر علیه رژیم جنگید ، در ثانی وقتی رژیم را سر نگون کردیم ، اولین جبهه ای که باز خواهیم کرد برعلیه این جریان خواهد بود و تفنگهایمان را بسمت اینها نشانه گیری خواهیم کرد. البته در گفتگو با این افراد، بأستناد استدلال و منطق و تجربه " شاه " و " شیخ " و انحراف سال ۵۴ و در نتیجه شکست جنبش و به وجود آمدن زمینه روی کارآمدن ارتجاع با تمامی عوارض آن ، مؤثر واقع نشد .

بودند عده ای و هم چنین گروههائی که غیر مستقیم از آنان حمایت کرده و در پنهان نیز ارتباطاتی نیز با آنها داشتند، برای توجیه حمایتشان از آنان ، از ما سئوال میکردند ، چرا شما تعدادتان کم و قلیل است ، در حالیکه تمام عناصر قدیمی و سابقه دار و اکثریت افراد با آنها هستند. باید بگوئیم با کمال تأسف این ناصحین و طرفداران شرمگین جریان ارتجاعی ، بجای اینکه گروه و یا فرد و یا جریانی را با حق بسنجند ، حق را با گروه ، فرد و تعداد نفرات وعناصر قدیمی . . . می سنجیدند . نتایج چنین سنجشی ، آیا چیزی جز اینکه خود در یک پروسه نیز از انقلابات ، افترا ها ، فحاشی های . . . آنان در امان نماندند، چه میتوانست باشد ؟ باید تکرار کنیم هرکه نآموزد ز رسم روزگار کی بگیرد پند از آموزگار

ما (مجاهدین) در جزوه " گامی در اثبأ ماهیت اپورتونیستهای راست منحط به سردمداری رجوی " (منشره در مهرماه ۶۴) ، با صراحت به گروهها . . و شخصیتهای ملی و مبارز متذکر شدیم " در همین راستا رونوشت نامه مورخ ۳۰ خرداد ۶۴ با منضماتش برای تعدادی از سازمانها، احزاب و شخصیتهای انقلابی و مترقی ارسال شد تا با ابعاد این انحراف و ضربانیکه جنبش خلقمان ازاین رهگذر متحمل شده و خواهد شد، بیشتر آگاهی یافته و با احساس مسئولیت انقلابی ، موضع قاطع تر و مسئولانه تری در قبال این جریان انحرافی اتخاذ نمایند. شاید عوارض و زیانهای ناشی از ضربات آن ، به حد اقل ممکن تقلیل یافته و حتی الامکان از سود جوئی بیشتر رژیم ضد خلقی خمینی و امپریالیستها و ایادی آنها جلوگیری بعمل آید. از طرف دیگر چنانچه " شورای ملی مقاومت " به رهبری رجوی ، احیانا بتواند با زد و بند های پنهانی و باکنیک و حمایت امپریالیستها وکشورهای مرتجع و سوسیال خرده بورژوائی عربی ، بر سر کار آید، جائی برای توجیه یا بهانه ای بر عدم اطلاع و یا برخورد غیر فعال و غیر مسئولانه با این جریان انحرافی نباشد. " .

باید بگوئیم ، همانطور که ما (مجاهدین) مجامع مدافع حقوق بشر . . . را بخاطر سکوت و یا بهتر بگوئیم ، حمایت غیر مستقیم از شکنجه گران ، زندانبانان و چماقداران " شورای ملی مقاومت " در شکنجه و زندان و اذیت و آزار مجاهدین ، سهیم میدانیم . گروهها، سازمانها، احزاب شخصیتهای ملی و مبارز را نیز مقصر میدانیم . اگر حمایت کشور های امپریالیستی و سکوت مجامع بین المللی ، به خاطر غارت ملت ستمدیدمان با این فرض که از نظر خودشان قابل توجیه باشد .

سکوت و یا بی تفاوتی تعدادی ازگروهها، سازمانها، احزاب و شخصیتهای ملی و مبارز در تبعید (آنطورکه خود میگویند، بخاطر آزادی و مبارزه با اختناق ، زندان و شکنجه و اعدام . . . میباشد) ، را به چه میتوان تعبیر نمود . آیا وجدانا در یک بررسی صادقانه، خود را بعد از اطلاع از زندان و شکنجه و آزار و اذیت مجاهدین ، و سکوت عمدی و یا سهوی در عدم بر خورد مسئولانه با این ماجرای شرم آور و ننگین ، مسئول و سهیم میدانند یا نه ؟ . آیا وجدانهای آزاده بخاطر سکوتشان ، خود را در قبال کسانیکه مورد تجاوز قرارگرفته و اعدام شده اند، مسئول و پاسخگو نمیدانند ؟

باید با صراحت بگوئیم این دادخواست در درجه اول بر علیه مسئولین " شورای ملی مقاومت " ، و در مراتب بعدی شامل حال کشور های امپریالیستی ، صهیونیستها و ارتجاع منطقه اعم از عراق ، عربستان ، کویت ، اردن ، مصر . . . و سازمانهای مدافع حقوق بشر نظیر کمیساریای عالی پناهندگی ، عفو بین الملل (امنستی انترناسیونال) ، و صلیب سرخ بین المللی . . . است ، هم چنین گروهها، سازمانها، احزاب و شخصیتهای ملی ومبارز را نیز در بر میگیرد . چرا که سکوتشان از بی

iran-archive.com

اطلاعی نبوده و نمیباشد ، لذا مقصر میباشند.

سئوال ما اینست، چنانچه در همان ابتدا، گروهها، سازمانها، احزاب و شخصیتهای ملی و مبارز، بعد از اطلاع، از آنچه مسئولین " شورای ملی مقاومت " بر سر مخالفین درون گروهی میآوردند، با قاطعیت و مسئولانه با قضیه بر خورد کرده به مخالفت بر می خاستند، کار بدینجا میکشیدکه جنایتکاران " شورای ملی مقاومت " به خود اجازه دستور تجاوز به زنان معترض و اعدام مخالفین خود را نیز بدهند؟ و مجامع مدافع حقوق بشر میتوانستند بسادگی مسئله به این مهمی را با سکوت برگزارکنند ؟ .

آیا باید تنها با اختناق و جنایات خمینی معدوم و اعوان و انصارش مبارزه نمود و افشأ گری کرد ؟ یا با هر نوع بر خورد خمینی گونه و خمینیسم ؟ .

آیا وجود چنین گروه باصطلاح مخالفی ، دربین سایر مخالفین اصولی رژیم ملا های جنایتکار، چهره مخالفین واقعی را در نزد افکار عمومی جهان خدشه دار نمی نماید ؟.

آیا نباید آنها را طرد کرده و بشدت و در همه جا افشایشان نمود ؟ تا بلکه این لکه ننگ از دامان مخالفین اصولی رژیم پاک شود ؟.

آیا اعمال شنع ها در ایران و " شورائیون " درخارج کشور، با مخالفین وجنایاتی که مرتکب شده و میشوند و سیستم و شیوه های متخذه یکسان از جانب آنان ، و سکوت تأیید آمیز تعدادی از مخالفین اصولی ملاهای جنایتکار، این توهم رابرای یانکی " های بنگه دنیا به وجود نیآورده که ملت ایران احتیاج به قیم و سر پرست دارد ؟ . لذا با چنین دیدی است که با وقاحت تمام ، با اینکه مدتهاست که دوران قیمومیت به تاریخ سپرده شده ، نمایندگان کنگره امریکا در مجلسشان به دور یکدیگر نشسته و برای ملت رشید و مبارز ما با آن سوابق درخشان فرهنگیش ، به تعیین جانشین حکومت می پردازند .

مسئله دیگر سکوت و عدم موضعگیری تمامی گروهها، سازمانها ، احزاب و شخصیتهای ملی و مبارز ، در قبال دخالت دولت و مجلسین امریکا، و نمایندگان پارلمان انگلیس . . . در امور داخلی وطنمان ایران میباشد ، سئوال ما (مجاهدین) این است ، آیا تصمیم گیری مجلسین و دولت امریکا برای اینکه چه گروه یا شخصیتی باید به جانشینی ملاهای مرتجع بر گرنده شود ، غیر از این است که ، مردم ایران را سفیه و یا صغیر تلقی میکنند ؟ آیا این اقدام دولت و مجلسین امریکا . . توهین و تحقیر ملت ایران که شما نیز جزوی از آن بوده و میگوئید بخاطر رهائی آنها از استبداد فاشیزم مذهبی و نفی استثمار وابتداد یك جامعه عاری از ظلم و ستم مبارزه میکنید ، نیست ؟ اگر جواب مثبت است ، سکوتتان را باید به چه تعبیر نمود ؟ آیا نباید به این اقدام توهین آمیز ، دایه های مهربان تر از مادر نمایندگان مجلسین امریکا ، هم چنین پارلمان اروپا و نمایندگان پارلمان امپریالیسم فرتوت انگلیس . . . اعتراض کرد ؟ سکوتتان را باید به چه حمل کرده توجیه نمود ؟ آیا باید مهر تأیید بر این نظر زد که میگویند، مردم ایران هیچ چشم امیدی به مخالفین ملاهای جنایتکار ، خارج کشور ندارد و آنچه در محاسباتشان نمی آید ، مخالفین رژیم در خارج کشور است . . . ؟

با توجه به موضع بی تفاوتی و سکوت گذشته ، بعضی از گروهها، سازمانها ، احزاب و شخصیتهای مبارز و مترقی، حال میخواهیم ، ضمن ادامه مبارزه همه جانبه و خستگی ناپذیر خود بر علیه ملاهای جنایتکار و فاشیحاکم بر ایران ، برای جبران گذشته با برخوردی مسئولانه (نه بخاطر منافع و مصالح گروهی وعقیدتی) و فعال نیز در جهت آزادی زندانیان و شکنجه شدگان و مورد تجاوز قرار گرفتگان " شورای ملی مقاومت " که در عراق دربند بوده و یا در خانه های امن چه در عراق و چه در سطح اروپا نگهداری میشوند و یا کسانیکه مورد تهاجم و ضرب و شتم چماقداران این " فرقه " قرار میگیرند، قدم پیش گذارده و در افشأی این جریان واپسگرا و توتالیتر (تمام خواه) ، از هیچ اقدامی فرو گذار ننمایند ، تا بخشی از مسئولیتی که به عهدتان بوده و از آن عمدا و یا سهوا غفلت کرده اید ، جبران شود .

لذا هم چنان که تلاش میشود تا رژیم حاکم بر ایران ، در سطح جهان به انفراد کشیده شده ، چهره واقعی آن افشأ گردد . باید با تمام توان به افشأ این " فرقه " پرداخته تا با بسیج افکار عمومی جهان ، مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر را وادار نمائیم تا آنان را به محاکمه کشیده و بخاطر جنایاتی که مرتکب شده اند محکوم . . . نمایند .

سخنی با مسئول شکنجه گر " شورای ملی مقاومت " و همدستانش

همانطور که در جریان هستید ، طی ۱۰ سال گذشته ، ما (مجاهدین) با اینکه با اسناد و مدارك غیر قابل انکار به مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر اعم از کمیساریای عالی پناهندگی (چه در سوئیس و چه در امریکا) ، عفو بین الملل

(امنستی انترناسیونال) ، صلیب سرخ بین المللی و دیگر مجامع . . . مراجعه کرده و در رابطه با زندان ، شکنجه و ادیت و آزار مجاهدین ، توسط شما (مسئولین شورای ملی مقاومت) ، آنان را مطلع نمودیم و در خواست رسیدگی جهت آزادی زندانیان و شکنجه شدگان و ممانعت از اعمال غیر انسانی " فرقه " شما ، با مخالفین را با آنها در میان گذاردیم . متأسفانه نتیجه ای عایدمان نشد. چرا که ، سر نخ مجامع فوق الذکر در دست کشورهای امپریالیستی میباشد . امپریالیستها با توجه به داشتن ، منرسلد و برگ برنده ای نظیر شما (شورای ملی مقاومت) ، به گرفتن امتیازات اقتصادی . . . از کیسه ملت عارت شده و ستمدیدمان ، از ارتجاع غالب اقدام کرده و منافعشان را هم چنان حفظ نموده و مینمایند . لذا دستوری مبنی بر رسیدگی به اعمالتان را به مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر نمیدادند و ندادند. چون نمی خواستند، منرسکشان در قبال رژیم " برابر " " تمام سوز " شده از بین برود .

با اینکه افشأگریها و اسناد و مدارك، تماما با اسم، آدرس و مشخصات کامل بود ، ولی دولتهای امپریالیستی و به تبع آن، مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر، هیچ توجهی بدین اسناد و مدارك نکردند. برای نمونه تنها به سه مورد اشاره میکنیم

۱ - در خواست کمك از تمام جویندگان راه حق و آزادی و طرفداران حقوق بشر (خطاب به رئیس سازمان حقوق بشر سوئیس - رئیس کمیساریای عالی پناهندگی در سوئیس رئیس سازمان عفو بین الملل ، امنستی انترناسیونال ، در انگلستان - رئیس صلیب سرخ بین المللی در سوئیس و رئیس کمیساریای عالی پناهندگی در امریکا و دیگر مراجع بین المللی ، شخصیتها ، گروهها و خبر گزاریها ، روزنامه های مهم جهان . . .) ، مورخ آوریل ۱۹۸۷ برابر با فروردین ۱۳٦٦ .

این درخواست به صورت جزوه ای ۵۰ برگی از اسناد و مدارك ، شامل نام و فامیل زندانی و کسانیکه مورد شکنجه قرار گرفته بودند ، با آدرس زندانها . . . به انضمام صفحه ۱۳ روزنامه لوموند ۲۷ مارس ۱۹۸۷ ، در رابطه با زندانی بودن مجاهدین در زندانهای مسئول شورا در عراق بود . . . ، بیشتر اسناد و مدارك به زبان فرانسه و انگلیسی ترجمه شده بودند ، به اضافه چند سند فارسی با توضیح فرانسه .

۲ متن قسمتی از مصاحبه با خبرنگار روزنامه چاپ برگن نروژ آقای OLV GARVIK و نماینده صلیب سرخ برگن نروژ آقای OLE JOHAN HAUGE در رابطه با زندانیان سیاسی ایران ، در زندانهای رژیم جنایتکار و مرتجع خمینی و زندانهای مسعود رجوی (" مسئول شورای ملی مقاومت ") و زندانها و اردوگاههای عراق و کمپ پوزکات ترکیه (به زبان فارسی و انگلیسی و متن مصاحبه به زبان نروژی با عکس مصاحبه کنندگان در روزنامه برگن مورخ ۱٤ ژانویه ۱۹۸۷) .

۳ نامه سرگشاده تعدادی از پیشمرگه های مجاهد خلق به آقای منوچهر هزار خانی ، در رابطه با زندانها و شکنجه گران مسئول " شورای ملی مقاومت " . . . ، مورخ فروردین ۱۳٦۷ .

در این نامه سرگشاده در صفحه ۷ آن در رابطه با زندان و شکنجه به صراحت آمده است " اگر آنچه نوشته شده نهمت و افتراست و معتقدین صحت ندارد ، چرا بر علیه کسانیکه آنها را منتشر کرده و اسم و آدرس خود را بطور صریح در زیر آن نوشته اند، اعلام جرم نمی کنید؟ تا آنها را در مقابل دادگاه، رسوای خاص و عام نمائید. ما اعلام میکنیم، تکذیب زندانهای مسئول " شورا . . . " و زندانی و شکنجه کردن مجاهدین ، از پاریس یا هر نقطه ای از جهان ، چه از طرف شما (آقای منوچهر هزار خانی) و هرکس دیگر ویا از جانب " دوستان " شما باشد، گامی فرا پیش به " خمینی سازی " و ادیت و آزار فرزندان خلق میباشد. لذا محکوم و در مقابل خلق پاسخگو بوده و میباشد. " .

از طرف دیگر شما (مسئولین شورای ملی مقاومت) برای خنثی نمودن افشأگری های ما (مجاهدین) علاوه بر امپریالیستها، که اجازه رسیدگی به اتهامات شما را، به مجامع مدافع حقوق بشر نمیدهند. خودتان نیز با امکانات صدها میلیون دلاری حکومت فاشیست عراق ، با دادن هدایا ؟ ! و تبلیغات . . . این افشأگریها را وابسته به رژیم قلمداد کرده ، و یاادعا کرده و میکنید که اینها عده ای " عناصر مجهول الهویه " هستند . .

بنا براین حال که برای چندمین بار ، افشأ کنندگان زندانها ، شکنجه گاهها ، تجاوز به زنان و اعدام معترضین درون گروهیتان ، خود را با نام و نام فامیل معرفی کرده اند، و آدرس و شماره تلفن وفاکس خود را نیز داده اند. شما (مسئولین شورای ملی مقاومت) نیز مدعی هستید، که اتهامات اساسا درست نیست ، بنابر این ، بهتر نیست شما برای بر طرف شدن اتهامات مهمی چون زندان ، شکنجه ، تجاوز به زنان و اعدام معترضین درون گروهی و ضرب و شتم مخالفین برون گروهی توسط چماقدارانتان ، جلسه و یا جلسات عمومی متشکل از حقوقدانان ، نمایندگان مجامع بین المللی ، نمایندگان پارلمان انگلیس نظیر لرد ایوبری و کنگره امریکا آقایان " دان برتون و روبرت تریسلی " ، و خبرنگاران روزنامه ها و تلویزیونها و شخصیتهای سیاسی . . . تشکیل داده ، مشت عناصر باصطلاح دروغگوی وابسته به رژیم ؟ ! و یا " مجهول الهویه " ؟ ! را در برابر همه باز و رژیم جنایتکار حاکم بر ایران را مفتضح تر نمائید ؟ .

iran-archive.com

لذا چنانچه در ادعایتان صادقید، چرا از بر پائی چنین جلساتی چون " جن از بسم الله " فرار کرده ، میگوئید " این مسئولیت ما نیست برایشان توپون فراهم کنیم " شما میگوئید " اساسا ما زندان و زندانی نداشته و کسی را شکنجه نکرده ایم" ، پس چه بهتر ، حال که افراد " مجهول الهویه" به ، پای خود آمده اند به گور ! ! ، از بر پائی جلسات پیشنهادی استقبال کرده ، حداقل خود را از اتهامات بسیار حیاتی افرادی که " مدعیند " شما، مجاهدین را زندانی و شکنجه کرده و زنان را مورد تجاوز قرار داده . . . ، مبرا ساخته و به بر طرف شدن سئوالات زیادی که در افکار عمومی در رابطه با گروه شما بوجود آمده ، پاسخ دهید .

بجای انکار، اتهام ، فحاشی و مارک زدن . . . به مطرح کنندگان اتهامات ! ؟، و سیاه کردن بی جهت روزنامه هایتان . . همانطور که در سال ٦٦ به آقای هزار خانی پیشنهاد شد، چنانچه موارد زندان و شکنجه کردن . . . مجاهدین توسط مسئولین شورا . . نادرست و اتهام میباشد، چرا بر علیه آنها اعلام جرم نمیکنید؟ چرا آنان را به دادگاه نمی کشید، تا محکوم و مجازات شوند؟ ولی از مترجم کتاب " در دادگاه تاریخ " (در این کتاب نویسنده مدعوف با استناد به مدارک ، از حیاتی که استالین در دوران زمامداریش در" اتحاد جماهیر شوروی " مرتکب شده بود، پرده بر داشته است .) تا امروزکه خبری نشد و مسئله را به سکوت برگذار کردند و کردید، ملاحظه میکنید، ماجرا هم چنان ۷ سال است که ادامه دارد.

حال برای چندمین بار به شما پیشنهاد میکنیم ، افراد " مجهول الهویه " ! ؟ که خودشان را معرفی کرده و دو آدرس و یک شماره تلفن و فاکس هم داده اند ، و کتبا هم نوشته اندکه شما (مسئول شورا و همکارانتان) ، مخالفین درون گروهی خود را زندانی و شکنجه کرده و به زنان معترض دستور تجاوز داده اید و مخالفین سر سخت را به اعدام محکوم نموده اید و با چماقدارانتان هم، حق مخالفین برون گروهی را نیز کف دستشان گذارده اید . پس دیگر تأمل و درنگ چرا ! هرچه سریعتر به دادگاه شکایت کرده بر علیه " مجهول الهویه " های با نام و نشان ، اعلام جرم نمائید . چرا بی خود " عرض خود میبرید و زحمت ما میدارید " .

در خاتمه پیشنهادی مطرح میکنیم ، شاید هنوز بارقه ای از شجاعت در وجودتان باقی مانده باشد و آنرا به پذیرید، تا حد اقل درس وآموزشی برای آیندگان باشد .

شما (شورای ملی مقاومت) در طی ۱۰ سال گذشته ، تحت پوش مبارزه با رژیم ملاهای جنایتکار، خدمات گرانبهائی به امپریالیستها ، بادوی آنها صهیونیستها و ارتجاع منطقه (به ویژه در زمان تجاوز عراق به ایران) ، انجام داده اید . ملاحظه میکنید وزارتخارجه امریکا چگونه با یک گزارش ٤١ صفحه ای ، به خدمات صادقانتان پاسخ داد . تا جائی که در رابطه با گزارش وزارتخارجه امریکا مینویسد " گزارش بی ارزش و پر تحریف " ، " گزارش بی اندازه مغشوش و پر تناقض و به نحوی شگفت انگیز نا دقیق " ، " گزارش مغرضانه و احکام بی پایه آن " ، " ادعاهای بی اساس و تکراری " ، " تحریف و نامزا " ، " مدعاتان کودتای ننگین " ، " کذب و خلاف واقع " ، " اتهامات بی پایه واساس " ، " گزارش مغرضانه و یکجانبه " ، " فاقد ارزش " ، باز نویسی کلکسیون اتهامهای سخیف و شرم آور " ، " گزارش مغرضانه و سخیف " ، " گزارش مغرضانه و خصمنی گرایانه " ، " اتهامات پوچ " ، " فحاشی و دروغ پردازی " ، " گزارش تقبیح کننده " ، " سیاستی مفتضح و مطرود " ، " تکرار مغرضانه و آکنده از جعل و دروغ و تحریف " ، " تهمت های تکراری " ، " تکرار مواضع و اتهامات سخیف " . . . " فقدان دمکراسی در شورای ملی مقاومت " ، " اساسا غیر دمکراتیک " ، " زوریست خواندن مقاومت " ، " تا چیز و فاقد پایگاه و اعتبار و وابسته به یک کشور کوچکتر " ، " مخدوش کردن چهره مقاومت " . . .

تمام مطالب داخل گیومه، به نقل از نشریاتتان میباشد، که در عکس العمل با گزارش وزارتخارجه امریکا نوشته و بروز داده اید ، به وضوح مشخص است ، سخت از نمک به حرامی اربابان به خشم آمده اید، چراکه با تمام خدمات دیقیمتی که در این ۱۰ ساله بدانان کرده اید ، در خواب هم نمی دیدید که با یک چنین اردنگ سخت و محکم امپریالیستهای امریکائی مواجه شده از جلو کاخ سفید رانده شوید.

ما (مجاهدین) بارها یاد آورشده بودیم شما بی جهت وقت و انرژی خود را در حول وحوش کنگره و کاخ سفید امریکا . . . تلف میکنید، چون امامزاده امپریالیستها ، تاکنون کورکرده که شفا نداده ، آیا اکنون می پذیریدکه درست میگفتیم ! حال با توجه به خیانت ها و جنایاتی که در حق ملت قهرمانمان و فرزندان مجاهدش ، طی این ۱۰ ساله مرتکب شده اید ، و با توجه به اطمنانی که به اعتماد ها زده اید ، و به جای ایجاد یک سیستم شورائی ، دمکراتیک و موحد . . . که میتوانست الگوئی برای جامعه بی طبقه توحیدی باشد، بر عکس به ایجاد یک " فرقه" بسته ، توتالیتر (تمام خواه) ، با کیش شخصیت و شرک آلود و محیط ارتجاعی ، مبادرت کردید . . .

بنابراین شما (مسئول شورای ملی مقاومت و همدستانت) مجرم هستید و جرم شما محرز است ، انزجار و نفرت

مردممان از شما و انفرادتان ، خود بهترین قضاوت و حکمی است که در دادگاه ملت در باره شما (شورای ملی مقاومت ! !) صادر شده . در خانه اگر کس است یک حرف بس است .

حال این شجاعت را داشته باشید، تا در یک دادگاه سازمانی محاکمه شده و به مجازاتی که از جانب سطح سازمانی تعیین میشود گردن گذارید، " جام زهری " است که نوشیدن آن هم به صلاح جنبش و خلق ستمدیدمان است و هم به مبارزه بر علیه رژیم جنایتکار و فاسد ملا های حاکم بر ایران کمک کرده . در ضمن حد اقل پاسخ تحمیر ها و اردنگی خواهد بود، از جانب شما به امپریالیستها ، صهیونیستها و ارتجاع منطقه . . . شاید گوشه ای از ضربانی که به حلق و عروندان مجاهدش زده اید جبران شود .

خلاصه کنیم ، اقراربه انحرافات آگاهانه و رفتار غیرانسانی . . . در یک دادگاه سازمانی و توبه از اعمال و رفتار و کفتار گذشته، سنت نیکو و انقلابی خواهد بودکه از خود بجای خواهیدگذارد . در هرحال چه بخواهید، چه نخواهید شما (شورای ملی مقاومت ، ارتش آزادیبخش ملی و دفاتر و تشکیلات . . .) " سوخته " اید .

ما (مجاهدین) همانطور که تاکنون شیوه برخوردمان بوده و ثابت نیز کرده ایم، با شما، برطبق آیه ۸ سوره مائده، که میفرماید

" یا ایهاالذین امنوا کونوا قوامین لله شهدا بالقسط ولا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعلمون

ای کسانیکه ایمان آوردیدباشیدقیام کنندگان برای خداگواهانی (بر پا دارندگان) به قسط (داد) وادار نسازد کینه گروهی بر آنکه عدالت را رعایت نکنید ، دادگری کنید که آن به تقوی نزدیکتر است و بترسید از خدا . که خدا بر آنچه میکنید آگاه است . "

رفتار کرده برخورد خواهیم نمود. امیدواریم مارا در این شیوه بر خورد استوار و ثابت قدم بیابید. ما آنچه شرط بلاغ بود با شما گفتیم ، خواه پند گیرید خواه ملال . . .

خوبست برای تصمیم گیری در باره پیشنهادمان ، جریان انحرافی سال ۱۳۵٤ سازمان را، یکبار دیگر مرور کرده و به سرنوشت عبرت انگیز آنها توجه کنید، بخوبی نیز میدانید، با اینکه آنها با تمام انحرافاتشان ، تا آخر هم دست از آرمان هایشان برنداشتند .

والسلام علی من اتبع الهدی

درود بر هر که از هدایت و ارشاد پیروی کند

مجاهدین خلق ایران ـ فرانسه

نیمه اول دیماه ۷۳ - نیمه دوم دسامبر ۹٤

iran-archive.com